

نقش رسانه های بیگانه در جنگ تحمیلی عراق علیه ج . ا . ا

سرهنک پاسدار علیرضا شب انگیز

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام - دانشکده افسری

مقدمه

رژیم حاکم بر عراق با هدف برانداختن نظام جمهوری اسلامی و تجزیه ایران با پشتیبانی ابر قدرتها در تاریخ ۵۹/۶/۳۱ جنگ تمام عیاری را علیه ایران آغاز کرد و در فاصله های کوتاهی شهرهای زیادی را در مناطق جنوب و غرب کشور اشغال کرد.

رژیم بعث عراق همزمان با یورش همه جانبه نظامی خود به تبلیغات سازمان یافته و گسترده ای علیه نظام نو پای جمهوری اسلامی دست زد. این رژیم پیش از آغاز حملات و عملیات های نظامی با بهره گیری از شرایط سیاسی و اجتماعی خاص پس از پیروزی انقلاب در سرتاسر استانهای خوزستان و کردستان (از جمله اهواز و خرمشهر) اقدام به تشکیل گروهها و سازمانهای مخفی یا علنی جهت براندازی نظام حاکم بر ایران نمود که از جمله آنها مرکز فرهنگی خلق عرب در اهواز بود و از کنسولگری عراق در خرمشهر تدارک و رهبری می گردید.

رژیم عراق علاوه بر دهها جاسوس و تروریست که پس از طی دوره های آموزشی در عراق و تجهیز آنان به منظور انجام عملیات خراب کارانه به خوزستان اعزام کرد، اقدام به کارهای تبلیغاتی نیز نمود از جمله عملیات های تبلیغاتی این رژیم تهیه و چاپ کتب جعلی نظیر « تاریخ سیاسی امارات عربی عربستان » و یا « مشکل عربستان درگیری عربی فارسی » و « الاحواز » و نمونه های دیگر می باشد.

حکومت عراق با همکاری و همراهی استکبار جهت براندازی نظام اسلامی ایران به صورت آشکار و صریح اقدام به ایجاد فضاهای نامناسب و توجیه حملات نظامی به ایران نمود و این مطلب را در صحبتها و مصاحبه های خویش به صراحت اذعان کرد از جمله : طه یاسین رمضان معاون نخست وزیر وقت عراق طی مصاحبه ای گفت :

« این جنگ به خاطر عهد نامه ۱۹۷۵ و یا چند کیلومتر خاک و یا

نصف شط العرب نیست این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم حاکم بر

ایران است » (درودیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸)

«جیمیز بیل » یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

در مورد دلیل واقعی جنگ در کتاب خود می نویسد :

« دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و

سلطه یافتن بر خلیج فارس بود در این روند عراق امیدوار بود انقلاب

ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد و این مسأله برای کشورهای

منطقه (نظیر عربستان و شیخ نشین های خلیج فارس هم چندان

ناخوشایند نبود » (درودیان، ۱۳۷۶، ص ۱۶)

همچنین دریافت غربیها نیز از وقوع جنگ و علل اصلی آن این بود که انقلاب اسلامی نظم موجود و حاکم بر منطقه را بر هم زده است و نتایج ناشی از این تحول زمینه های وقوع جنگ را به وجود آورده است .

علل وقوع جنگ :

دولت‌های غربی و در راس آنها آمریکا وقوع انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از آن را برای منافع غرب (شامل نفت، ثبات کشورهای مرتجع منطقه، امنیت اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ شوروی) به عنوان تهدیدی جدی علیه نظم نوین جهانی قلمداد کردند و مقابله با آن را با استفاده از زور و کلیه ابزار و وسایل مورد لزوم نه تنها ضروری بلکه اجتناب ناپذیر دانستند.

با سقوط حکومت پهلوی آمریکا تصمیم گرفت عراق را جایگزین ژاندارم سرسپرده قبلی خویش سازد در این جهت عراق را وادار کرد تا با تهاجم نظامی به ایران، انقلاب نو پای اسلامی را نابود کند. در هر صورت وجود اختلافات مرزی و ارضی میان ایران و عراق - که با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر حل و فصل شده بود - و حتی وقوع تشنج مجدد نیز میان دو کشور به تنهایی نمی توانست انگیزه و علت اصلی تجاوز عراق به ایران باشد زیرا پیش از این دو کشور عراق و ایران در اوضاع بسیار حادث‌تری قرار داشتند که هرگز به یک جنگ تمام عیار متوسل نشدند.

گرچه عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را بهانه تهاجم به ایران قرارداد ولی اوضاع داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر چند با بررسی اجمالی و گذرا نشان دهنده این معنا است که ایران نه تنها برای جنگ که حتی برای دفاع نیز آمادگی نداشت؛ زیرا علاوه بر منازعه ای که در داخل کشور بلافاصله پس از پیروزی انقلاب میان نیروهای انقلابی و لیبرال ها آغاز شد اقتصاد کشور هم فوق

العاده ضعیف شده بود و بسیاری از جریانات ضد انقلابی در مناطق مختلف کشور برای تضعیف دولت مرکزی تلاش می کردند. منابع تسلیحاتی ایران نیز به دلیل ماهیت ضد آمریکایی قطع شده بود و در مجموع ایران از بعد دفاع بسیار آسیب پذیر شده بود.

در این میان وضعیت نظامی کشور نشان دهنده کاهش توان دفاع کشور و در نتیجه از میان رفتن قدرت باز دارندگی ایران در برابر عراق بود. وضعیت نیروهای ارتش که وظیفه دفاع از مرزهای ایران را برای مقابله با تهدیدات و تهاجم دشمن بیگانه بر عهده داشتند بسیار نامطلوب بود و حتی گروههای سیاسی - مثل سازمان منافقین - شعار انحلال ارتش را سر می دادند و ارتش با مشکلات اساسی که بسیاری از آنها ریشه در ساختار، هویت، آموزش و فرماندهی و کنترل داشت برای انتقال از یک ارتش طاغوتی به ارتش اسلامی دست و پنجه نرم می کرد. «آنتونی کرد زمن» در کتاب «درسهایی از جنگهای مدرن» خود می نویسد:

«هیچ یک از دو کشور ایران و عراق ساختار فرماندهی عالی و کارآمد نداشتند. شاه ایران دائماً فرماندهی عالی ارتش را تغییر می داد و با سقوط شاه حتی این رکن شکننده فرماندهی و کنترل ارتش نیز فرو پاشید» (کردزمن، واگنز، ۱۳۷۶، ص ۷۳)

جریانهای ضد انقلاب در درون ارتش برای اعاده وضعیتهای پیشین کودتای نوژه را در تیر ماه ۱۳۵۹ و تنها ۵۰ روز قبل از آغاز تجاوز دشمن، سازماندهی و اجرا کرد. حضرت حجه الاسلام آقای هاشمی رفسنجانی در تشریح وضعیت نظامی ایران می گوید:

«ما هنوز مشغول تصفیه ارتش بودیم و افراد ارتش فرار کرده و بسیاری از آنها محبوس بودند و جای کارشناسان آمریکایی را که از

ایران رفته بودند کسی نگرفته بود تعداد بسیاری از قرار دادهای تسلیحاتی که مکمل قدرت ارتش بود در همان روزهای قبل از انقلاب توسط بختیار لغو شده بود و بسیاری از امکانات ما بدون پشتیبانی مانده بود». (هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۸ ص ۱)

همچنین سپاه پاسداران در این شرایط با مأموریت دفاع از انقلاب درگیر مأموریت‌های امنیتی در داخل کشور و در شهرها بود و بخشی از توان آن در کردستان در مصاف با گروه‌های ضد انقلاب صرف می شد بسیج نیز که بیش از ۹ ماه از تولد آن نگذشته بود فاقد هویت نظامی بود. رژیم بعثی عراق واستکبار جهانی دقیقاً به چنین وضعی آگاه بودند «احمد زبیدی» سرهنگ سابق ارتش عراق در مورد درک رهبری عراق از وضعیت داخلی ایران پس از سقوط می نویسد :

« رهبری عراق معتقد بود پس از سقوط شاه، ایران و خصوصاً ارتش ایران پس از انجام تصفیه و پاکسازی در آن ، ضعیف شده بود».

رادیو آمریکانیز در تاریخ یکم مهرماه ۱۳۶۹ برابر با ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۰ در گزارشی به مناسبت سالگرد آغاز جنگ ایران و عراق می گوید : (سفارت ج ۱،۱ در بیروت ۱۳۶۸ به نقل از روزنامه السفير)

« در آغاز حمله عراق به ایران نیروهای عراقی فقط با اندکی مقاومت از سوی نیروهای ایران رو به رو شدند زیرا ایران هنوز دستخوش انقلاب بود ». (صفری ، ۱۳۷۰ ص ۲۹)

دلایل شروع جنگ از دیدگاه رژیم بعث عراق :

آنچه که رژیم بعث عراق جهت تجاوز به خاک میهن اسلامی ایران ادعا می کردند و دلایل مشروع برای خود در حمله به سرزمین اسلامی ایران تلقی می نمودند عبارت بود از :

- ۱- دفاع از امت عرب
- ۲- استقلال عربهای خوزستان
- ۳- ظالمانه بودن قرارداد ۱۹۷۵
- ۴- تعیین خط مرزی در آبراه شط العرب (اروند رود)
- ۵- مالک بودن جزایر سه گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی و سرانجام حمله به انقلاب و ایران جهت حمایت از اسلام و تحقق قادسیه ثانی .

در حالیکه بعداً معلوم شد و بیگانگان نیز اعتراف کردند اهداف اصلی و مقصود از هجوم سراسری عراق به ایران تجزیه ایران و اشغال دائمی خوزستان و طمع به منابع نفتی ایران و تسلط بر شط العرب و دستیابی به خلیج فارس و دروغگویی در دفاع از امت عرب بوده است. جاه طلبی های رژیم بغداد ، بیهوده گویی و ادعاهای پوچ و بی اساس آنها و مسلمان نبودن رژیم را بعداً اعتراف کردند. رادیو صهیونیستی در تاریخ یکم مرداد ۱۳۶۹ می گوید :

« یکی از عوامل اصلی جنگ ایران و عراق نیز همین آرزو بود که عراق می خواست با اشغال خوزستان و خارج کردن جزایر تنب و ابوموسی از حاکمیت ایران خود را به صورت ابر قدرت خلیج فارس درآورده ، در پی آن رهبری جهان عرب را به دست گیرد. »
(صفری، ۱۳۷۰، ص ۵۱)

رادیو آمریکا به نقل از روزنامه واشنگتن پست :

« بهانه حمله عراق به ایران این بود که قرار داد الجزایر مبنی بر تعیین خطوط مرزی شط العرب که در زمان رژیم سلطنتی ایران بین دو کشور بسته شده بود به عراق تحمیل شده است و قرارداد باید ملغی شود. هشت سال جنگ به طول انجامید و بالاخره هم جنگ متارکه شد. » (صفری، ۱۳۷۰ ص ۵۱)

خالد بن سلطان ابن عبدالعزیزوزیر دفاع و فرمانده نیروی هوایی عربستان نیز چنین می گوید :

« دلیل حمله عراق به ایران نقض قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بوده است نه دفاع از امت عرب که او ادعای آن را داشته است. » (صفری، ۱۳۷۰، ص ۴۸)

رادیو کلن صدای آلمان نیز در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ برابر با ۱۵ اوت ۱۹۹۰ می گوید :

« همین قرارداد به اصطلاح غیر عادلانه و ضرورت اصلاح آن بوده است که صدام حسین به عنوان دلیل حمله لشکر کشی خود در سال ۱۹۸۰ به ایران معرفی کرده است. » (صفری، ۱۳۷۰، ص ۴۶)

«احمد الحسین» سفیر سوریه در تهران در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی اظهار می دارد:

« صدام سعی می کرد جنگ را جنگ عرب و عجم معرفی کند وی اظهار داشت که از دروازه شرقی اعراب دفاع می کند و تنها سوریه بود که در برابر این شعارها ایستاد » (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۶۹، ص ۲)

حکام رژیم بعث عراق همگام با استکبار و دول بیگانه تبلیغات خود را قبل از آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران به صورت گسترده شروع نمودند . عراق از ابراز خصومت با انقلاب اسلامی ایران ابایی نداشت این رژیم وابسته به ابرقدرت های

شرق و غرب از همان ابتدای پیروزی انقلاب برای زمینه سازی اجرای نیات پلید خود تلاش می کرد .

این اقدامات شاهی بر طرح تجاوز و تهیه مقدمات آن علیه جمهوری اسلامی ایران است که نمونه هایی از آن ذکر می گردد:

صدام حسین رئیس جمهور عراق در جمع خبرنگاران گفت : (مرداد ۱۳۵۹)

« به مخالفین ایران سلام می گوئیم و دست رد به سینه آنها نمی زنیم

». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۸۸)

همچنین اقداماتی در خصوص تهیه مقالات با عنوانهای قادسیه صدام و دیگر عناوین از پیروزی های قادسیه صدام و گزارش های خبری در این راستا را در سطح وسیع انجام داد و کمک های مالی به روزنامه های عربی زبان به خصوص روزنامه های کویتی ، انجام مصاحبه های متعدد و تبلیغات زمینه ای در بیشتر کشورهای عربی طراحی و اجرا گردید . در تبلیغات رسانه های غربی نیز بویژه امپریالیسم متجاوز آمریکا هماهنگی کاملی با اقدامات متجاوزانه صدام مشاهده می شود. کارتر رئیس جمهور آمریکا می گوید:

« امیدواریم این نبرد بتواند ایران را قانع کند که به صلح نیاز دارد ».

(اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۸۹)

نگاهی کوتاه به تبلیغات رژیم بعث عراق و استکبار جهانی در مرحله اول جنگ (از ۵۹/۶/۳۱ تا تاریخ ۶۰/۷/۵)

روشن است که جنگ روانی و تبلیغاتی به عنوان یکی از شگفت انگیزترین پدیده های اجتماعی ریشه در اعصار گذشته دارد که با گذشت زمان تکامل یافته و امروزه به یکی از پیچیده ترین و خطرناکترین پدیده ها (سلاح ها) مبدل

شده است . در واقع هدف از جنگ روانی بر هم زدن تعادل روانی افراد جامعه از طریق پخش شایعات ، اکاذیب ، اشاعه یأس و نومیدی و رعب و وحشت است . دشمنان برای مقابله با نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران علاوه بر جبهه نظامی جبهه جدیدی را در برابر ایران گشودند . دشمنان در این جبهه با استفاده از فن آوری پیشرفته و کاهش بهره گیری از امواج انسانی به طرح ریزی زیر بنایی اهتمام ورزیدند و با ایجاد ارتباط فراگیر که هدف اصلی تهاجم و تخریب افکار عمومی و ایجاد حس بدبینی سایر دول نسبت به ماهیت انقلاب بوده سعی کرده تا چهره ای مغشوش و تهدید آمیز علیه صلح و امنیت جهانی از ایران اسلامی ترسیم کنند . لذا محورهای تبلیغی دشمن را می توان اینگونه برشمرد:

الف - ترسیم چهره منفی از ایران در برابر مردم عراق

رژیم عراق درصدد برآمد چهره جمهوری اسلامی ایران را در افکار عمومی عراق به شکلی ترسیم کند که مردم آن کشور محرومیت‌های ناشی از جنگ را تحمل نمایند و در ضمن انگیزه ادامه نبرد و تجاوز را در نظامیان عراقی ایجاد کند . دستگاه تبلیغی رژیم عراق به منظور دستیابی به اهداف تبلیغی خود و برای تشدید اختلاف ، برخی از سوژه ها و رخداد‌های تاریخی را بزرگنمایی می کند. برای نمونه «خالد حسین» می گوید :

« طوفان تهاجم از جانب شرق به سمت عراق و امت عربی در حال وزیدن است ؛ نژاد پرستان ایران که هزاران سال است چشم طمع به سرزمینهای اعراب دوخته اند اکنون می خواهند عراق را دوباره اشغال نمایند ». (عبدالرحمن ، ۱۳۶۹ ، ص ۵۱)

همچنین رادیو صوت الجماهير عراق در تاریخ ۶۰/۲/۱۵ گفت :

« ایرانیان مجوس در صدر اسلام سعی کردند از ترویج اسلام جلو گیری کنند ، اما کاری از پیش نبردند حالا تصمیم گرفته اند دین اسلام را از داخل تضعیف کنند » (صفری ۱۳۷۰ ص ۵۱)

با شروع جنگ ، رژیم بعث عراق با ساماندهی و خرید شعرا و نویسندگان ، تبلیغات ویژه ای را علیه نظام اسلامی ایران اجرا کرد تا افکار عمومی عراق را تحریک کند مثلاً :

« ایران در پی ایجاد یک امپراطوری فارسی است ، می خواهد بر کل خلیج عربی (خلیج فارس) مسلط شود ، ایرانیان در صورت پیروزی ثروت مردم عراق را چپاول می کنند ، ایران با آمریکا و اسرائیل رابطه دارد». (دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی ۱۳۶۵)

این رژیم در منفی نشان دادن چهره ایران و سربازان ایرانی برای توجیه سیاسی و فکری نظامیان عراقی موضوعاتی را مطرح می نماید که بعضاً با ماهیت خون آشامی دولتمردان رژیم بعث و صهیونیست بیشتر مطابقت دارد به طور مثال : رادیو صدای آزاد ایران در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۸ گفت :

« ایرانیان خون اسراء را می گیرند و آنان را مثله می کنند، سرها را با اره های برقی می برند ، آنان را با باتوم برقی می زنند و... .

دستگاههای تبلیغاتی استکبار نیز در یک طرح از پیش تعیین شده و به عنوان مکمل عملیات روانی رژیم عراق چهره جمهوری اسلامی را مخدوش جلوه می دادند و چنین اکاذیب و مطالب غیر واقع را منعکس و ابراز می داشتند برای مثال :

«روزنامه آلمانی فرایتونگ نوشته است : [امام] خمینی می خواهد همه چیزهای سالم را فاسد کند، مراکز نفتی ایران و عراق را از بین ببرد ... منطقه را بیمار کرده ، امنیت منطقه را به هم زده است». (دفتر سیاسی سپاه پاسداران ۱۳۶۱ ، ص ۵۷)

ب- استفاده از بوقهای تبلیغاتی و تلاش برای فریب ایران :

رژیم بعثی عراق و بوقهای تبلیغاتی استکبار که در بست در اختیار ارتش عراق و دولتمردان بی منطق آن کشور بود قبل از جنگ با توجه به اطلاعات رسیده به ایران و هشدارهای امام راحل به دولت و مردم ایران مبنی بر ایجاد آمادگی لازم برای مقابله با تهاجم و تجاوزات احتمالی به کشور سعی در فریب ایران داشتند و با مصاحبه های متناقض و پراکنده مساله هجوم و تجاوز را بی اساس و غیر محتمل می دانستند. برای مثال :

در ۲۸ شهریور ۱۳۵۹ « بی بی سی » ضمن ارائه تحلیل درباره لغو قرارداد به طور یک جانبه توسط صدام گفت :

« بنی صدر گفته است عراق در نظر دارد به ایران حمله کند ». (روزنامه

جمهوری اسلامی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲)

اما صدام برای فریب ایران و ایرانیان و آماده سازی حکومت خودشان در رادیو گفت :

« ما نمی خواهیم بجنگیم و طمعی نیز به سرزمینهای دیگران نداریم

». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۲)

همچنین عزت ابراهیم که از نزدیکترین عناصر بعثی به صدام بود گفته است :

« عملیات جنگی عراق در مرزهای ایران برای باز پس گرفتن هزار و

سیصد کیلومتر مربع خاک عراق ، تا پایان هفته خاتمه خواهد یافت .

ما در حالت جنگ با ایران به سر نمی بریم ». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۲)

رادیو بی بی سی هم در ادامه حمایت تبلیغی خود از رژیم خود کامه عراق در تایید تجاوز و فریب دولتمردان و مردم ایران می گفت :

« صدام حسین درگیری نظامی، خود را تصرف مناطق مرزی محدود می کند و ابر قدرتها مایل به جنگ ایران و عراق نیستند ». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۲)

ج : استفاده از تبلیغات مسموم برای بی انگیزه کردن ارتش در تداوم دفاع از سرزمینهای اسلامی :

از مهمترین محورهای تبلیغی عراق در اوایل جنگ تلاش سازماندهی شده برای بی انگیزه کردن ارتش ایران بود. بخش فارسی رادیو بغداد در قسمتی از برنامه های خود از تلاش رژیم برای سرگرم ساختن ارتش در درگیریهای مرزی و غافل شدن از اوضاع وخیم سیاسی و اقتصادی ایران خبر می دهد و می گوید : « حیثیت ارتش توسط سپاه پاسداران زیر پا گذاشته شده است » و برای تضعیف روحیه سربازان و افسرانی که در خطوط مقدم دفاع می باشند اظهار می کند : « با بهانه جنگ مرزی افسران ارتش اعدام می شوند. » (بخش فارسی رادیوبغداد ۱۳۵۹)

بخش فارسی رادیو بغداد با اعلام شروع رسمی جنگ و تهاجم همه جانبه علیه ایران می گوید :

« خلبانان با هواپیماهای خویش به عراق پناهنده شوند . رژیم ایران درصدد تصفیه ارتش و جایگزین نمودن سپاه به جای آن است ». (بخش فارسی رادیو بغداد ۱۳۵۹)

روز نامه گاردین نیز در تکمیل تبلیغات بی اساس و ناجوانمردانه عراق می نویسد :

«... در ایران مذهب‌یون سعی دارند نقش ارتش و نیروهای مسلح را کم اهمیت جلوه دهند و در عوض بر نقش سپاه پاسداران تأکید نمایند». (دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی ... ص ۳۰)

در همین مورد دستگاه‌های تبلیغاتی استکبار جهانی و ضد انقلاب همگام و همراه با دستگاه تبلیغی عراق درصدد ایجاد سوء ظن و بدبینی در میان ارتشیان و تفرقه افکنی بین ارتش و سپاه و بی انگیزه کردن آنان در جنگ برآمدند که خوشبختانه در مرحله دوم جنگ پس از عزل بنی صدر و رهنمودهای حضرت امام خمینی (ره) این جو به فضایی سرشار از همدلی و تفاهم میان نیروهای رزمنده مبدل گشت و به صورت یک نیروی مقتدر و توانمند که از قدرت رزمی مناسب برخوردار بود در مقابل تهاجم و متجاوز ایستادند و آنان را از خاک میهن اسلامی بیرون راندند.

د: استفاده از تبلیغات مسموم برای بی انگیزه کردن مردم ایران در امر دفاع : همانند تلاش‌های مذبحخانه که برای بی انگیزه کردن ارتش جمهوری اسلامی ایران برای عدم شرکت در جنگ و دفاع از حریم کشور و انقلاب انجام دادند با انجام تبلیغ و جو سازی از مردم ایران خواستند تا به قیام ارتش پیوسته ، با تصرف شهرها رژیم ایران را سرنگون نمایند .

رادیو بغداد چهار روز پس از شروع جنگ با پخش شایعه رحلت حضرت امام خمینی (ره) سعی در به انفعال کشیدن مردم متدین و انقلابی دارد و از آنان می خواهد فضای کشور را ناآرام و متشنج نمایند. اما امام خمینی (قدس سره) با بیاناتی آرامش بخش از تهاجم هواپیماهای عراقی به فرودگاه های ایران با تعبیر « دزدی که دزدانه آمده و چند سنگ انداخته و رفته » یاد می کنند که این بیانات مردم را آرام و قلوب آنان را تسکین می دهد.

از طرفی دستگاه‌های تبلیغاتی هم بیکار نبردند و سعی در بی انگیزه کردن مردم انقلابی ایران در دفاع از نظام و انقلاب داشتند. نمونه های زیر از جمله فعالیتهای آنان در این زمینه است :

رادیو صدای آزاد ایران می گوید :

« چهره شهر تهران تغییر کرده است ... بنزین نایاب است. عده ای چند کیلومتر را پیاده طی می کنند برق قطع است و اکثر نانواییها تعطیل است ». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۴)

همچنین رادیو بی بی سی از لندن به اکاذیب و شایعه پراکنی می پردازد و می گوید:

« غنایمی که از ایرانیان به دست عراق افتاده است آنچنان فراوان است که صدام حسین تعداد ۱۲۰ تانک چیفتن را به کشور دوست خود « اردن » هدیه کرده است ». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۴)

روزنامه لوموند نیز در تحلیل وضعیت جنگ و رزمندگان در دفاع از خرمشهر می نویسد :

« مرکز به درخواستهای مدافعین خرمشهر پاسخ نمی دهد و همه باید شربت شهادت بنوشند ». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۵)

محور دیگر تبلیغات که با هدف و بی انگیزه کردن مردم در جنگ مطرح شد تشتتهای درونی جامعه ایران و تیره بودن آینده آن است . روزنامه « نول آنید واتور » در طی مقاله ای اظهار بنی صدر را مبنی بر اینکه صدام کمتر از خیلی از وزرای ایران برای کشور خطر دارد» را چاپ کرده به تشتتهای داخلی اشاره کرده و می گوید: « ایرانیان گرسنه و فقیر هستند و به امداد بین المللی نیازمندند ». (اثباتی ، ۱۳۸۰ ، ص ۲۹۵)

هـ: استفاده از تبلیغات جهت عوض کردن ماهیت جنگ

دستگاههای تبلیغاتی رژیم بعثی عراق با قلب ماهیت جنگ به فریب افکار عمومی می پردازند تا مردم عراق را به پذیرش جنگ وادار نمایند. آنان در این راه ابتدا از جنگ به عنوان توطئه ای بین المللی با مشارکت ایران، اسرائیل و آمریکا علیه عراق یاد می کنند و سپس با طرح سوژه های مانند توسعه طلبی و جنگ طلبی ایران در صد می باشند جنگ را امری ناخواسته و تحمیلی به عراق معرفی کنند در نهایت با طرح مسائلی مانند صلح طلبی صدام و عراق ضمن ارائه طرح دفاع به تدافعی بودن جنگ و به تطهیر هر چه بیشتر آن رژیم می پردازند.

صدام در نطق تلویزیونی خود می گوید:

« حکام تهران به تحریک نیروهای امپریالیستی، صهیونیستی

قصد غصب سرزمین ما را دارند ». (اثباتی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷)

همچنین رسانه های جهانی با طرح مسائلی مشابه در صدد تبلیغ محور توسعه طلبی ایران بر آمدند. رادیو بی بی سی از ایران به عنوان « کشور های عقب مانده ای » یاد می کند که با عوامل مرتجع خود تمام منطقه را وارد درگیری کرده است. (اثباتی، ۱۳۸۰، ص ۲۹۷)

همچنین رادیو آمریکا ضمن یادآوری ادعاهای ارضی ایران نسبت به بحرین و تصرف جزایر عربی تنب و ابوموسی از غرایز گسترش طلبی ایران و ایرانیان که اکنون تحت لوای انقلاب اسلامی پنهان شده است سخن می گوید.

البته پس از گذشت چند سال از شروع جنگ و اثبات مظلومیت ایران در عرصه جهانی، بوقهای تبلیغاتی استکباری و رسانه های بیگانه مجبور به اظهار حقایق گردیدند و متجاوز و علل تجاوز را اعلام کردند. به طور نمونه روزنامه

دیاریو ۱۶ چاپ اسپانیا در تاریخ ۱۳ مرداد ۱۳۶۹ مصادف با ۴ اوت ۱۹۹۰ می نویسد :

« پس از شروع جنگ با ایران رژیم عراق همیشه جمهوری اسلامی را به عنوان آغازگر جنگ معرفی می کرد و در غرب نیز بر روی این عقیده تبلیغ شد لکن همه دنیا می دانستند که صدام شروع کننده بود» (صفری ۱۳۷۰، ص ۱۲۹)

تلویزیون سی بی اس آمریکا در مصاحبه با سناتور آمریکایی « سام نان » اظهار می دارد :

هر چند ما برای دوست نداشتن ایران دلایل زیادی داشتیم اما سکوت ما در برابر تجاوز صدام به ایران از جمله اشتباهات دیگر ما محسوب می شود». (صفری ۱۳۷۰، ص ۱۷)

و: پیشنهاد صلح و فریب بزرگ صدام درپنهان نمودن علل تجاوز به سرزمین اسلامی ایران :

پیشنهاد آتش بس و صلح، ترفند دیگر صدام بود با این کار سعی می کرد تجاوز رژیم خود را مخفی نگه دارد. صدام شش روز پس از آغاز جنگ در حالی که به اهداف خود نرسیده بود آتش بس مشروطی را اعلام می نماید که این پیشنهاد از سوی ایران به علت ناعادلانه بودن مردود اعلام می گردد.

همچنین از سوی سازمانها و کنفرانسهای بین المللی و اسلامی پیشنهادهای زیادی برای صلح اراده می گردد و چون همه آنها بر روی حق مسلم ایران اسلامی پا گذاشته بودند مورد توافق ایران واقع نمی شود. لذا این موضعگیریها موجب به دست آمدن سوژه تبلیغاتی برای رژیم بعث عراق شده و به مشوب کردن چهره ایران و ضایع کردن حقانیت ایران اسلامی پرداخت و بر همین اساس ، رادیو بغداد در یک تفسیر خبری خود می گوید :

.... عراق مایل به ادامه جنگ نیست رهبر عراق از قطع خونریزی جوانان سخن می گوید عراق از مواضع قدرت سخن از صلح و پایان جنگ می دهد زیرا مایل نیست آسیب بیشتری به خلقهای ایران برسد .

طارق عزیز نیز در مصاحبه ای با رادیو آمریکا گفت :

« من معتقدم ایران پیشنهاد آتش بس را خواهد پذیرفت ». (رادیو بی

بی سی ۱۳۵۹/۷/۱۱)

رادیو بی بی سی نیز ضمن بیان مقاله گاردین اظهار می دارد :

« امتناع ایران از پذیرفتن آتش بس سازمان ملل متحد و صدام

پیش بینی نشده بود ». (روزنامه‌الشوره ۱۳۵۹/۱۱/۲۵)

در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، دستگاههای تبلیغاتی عراق کوشیدند با استفاده از روشها و شگردهای مختلف، صدام را یک الگو و رهبر قهرمان تاریخ و انسان دوست معرفی نمایند و از آن طرف چهره ایران و دولت اسلامی را مخدوش و ضد انسانی جلوه دهند. مثلاً:

رادیو بغداد در معرفی شخصیت صدام چنین می گوید :

« صدام رهبر بی مانند تاریخی، رهبری است که شبانه روز به فکر

آسایش خلق خود می باشد از احوال مردم جويا می شود، به سازمانها

و دستگاههای دولتی و وزارتخانه‌ها می رسد ، به دورترین نقاط کشور

می رود و از نیازمندیهای مردم مطلع می شود مردم را در دفتر خود

می پذیرد و... چنین رهبری را خدا عطا می فرماید و عراق هم

مستحق چنین رهبری است. این رهبر پیشاپیش ملت قرار گرفته و

تمام مردم عراق اعم از ارتش و ملت پشت سر او است. ». (شیرازی

۱۳۷۶ ص ۱۴)

این رادیو در مقابل، چهره ایران را آشوب زده، دارای سختی ها و مشکلات غیر قابل علاج و از تمامی جهات عقب مانده معرفی می نماید . همان رادیو در معرفی حال و اوضاع داخلی ایران می گوید :

« داخل ایران پر از پریشانی و هرج و مرج است. اقتصاد ایران کاملاً ویران گشته تمام اعمال مربوط به توسعه ایران متوقف گشته و میزان صدور نفت به طور هول انگیزی کاهش یافته و دامنه بیکاری در حد حیرت انگیزی گسترش یافته و دانشگاهها بسته شده است و موج فرار مردم از کشور اوج می گیرد ». (شیرازی ، ۱۳۷۶ ، ص ۱۵)

ز: رابطه ایران و رژیم اشغالگر قدس (اسرائیل) محور تبلیغی عراق علیه ج.ا.ا رادیوها و بوقهای تبلیغی عراق همیشه از توطئه مشترک آمریکا ، ایران ،اسرائیل سخن می گفت و می کوشید ایران را کشوری مرتبط با اسرائیل معرفی نماید و در این باره از همکاری دو کشور در مساله تسلیحاتی ، اطلاعاتی و.. سخن می راند و در مورد اثبات وحدت استراتژیک علیه اعراب سخن می راند . از طرفی اسرائیل که اندیشه گسترش از نیل تا فرات را در سر می پروراند طولانی شدن جنگ ایران و عراق را در جهت اهداف خود می دید و از نظر تبلیغات با عراق همسویی نشان می داد و لذا بارها از روابط تسلیحاتی خود با ایران گفت و درصدد القاء وحدت استراتژی ایران و اسرائیل بر می آمد. برای نمونه : رادیو اسرائیل در گزارشهای سیاسی خود اظهار داشت :

« ایران و اسرائیل از نظر موقعیت اجتماعی در وضعیتی قراردارند که

نوعی همدردی بین دو کشور وجود دارد ». (شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۶)

خبرگزاری جمهوری اسلامی از شهرامان در خصوص مصاحبه صدام با خبرنگار اردنی می نویسد :

صدام می گوید: «کشور ایران زائران مسلمان تبعه اسرائیل را با اتوبوسهای ایرانی از طریق اردن به مکه می برد». (شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۱۸)

ح: تبلیغات و نشر اکاذیب در خصوص رابطه ایران با آمریکا: دستگاه تبلیغاتی عراق می دانست قطع رابطه ایران با اسرائیل و آمریکا در شرایطی که ایرانیان جاسوسان آمریکایی را به گروگان گرفته اند، از مسائلی است که ایران را بر حق نشان می دهد لذا ضرورت داشت با القای رابطه بین ایران و آمریکا از یک سو ضد آمریکایی بودن نظام اسلامی را نفی کند و از سوی دیگر عراق از اتهام مرتجع بودن و آلت دست قرار گرفتن رهایی یافته و وجهه ای مترقی کسب نماید. القای ارتباط ایران با آمریکا در ملتها و دولتهای عرب می توانست همدلی و همیاری آنان را در ایجاد یک جبهه عربی بر علیه نظام اسلامی متحد کند و همچنین صدام رابه عنوان قهرمان ملی و حامی عرب و ایجاد کننده قادسیه ای دیگر مطرح نماید.

“صدام” در مصاحبه ای در این خصوص می گوید:
آمریکا عامل اصلی جنگ ایران و عراق است». (رادیو صوت الجماهیز ۱۳۵۹/۷/۸)

همچنین رادیو صدای صوت الجماهیر اعلام می کند:
« {امام} خمینی “به یاران خود گفته است که حاضر است علیه عراق با هرکسی هم پیمان شود و از آمریکا جهت مقابله با رژیم عراق درخواست کمک کرده است». (رادیو الصوت الجماهیز ۱۳۵۹/۶/۳۱)

پس از آنکه عراق در مواضع تصرف شده خود خواست استقرار یابد نماینده آمریکا در سازمان ملل اعلام کرد:

« ارضی نباید بازور تصرف شود و اختلافات به جای توسل به جنگ

باید با مسالمت حل و فصل شود. (رادیولندن ۱۳۵۹/۷/۳۰)

حتی "ژنرال ادموند" ماسکی وزیر امور خارجه آمریکا نیز اعلام کرد:

« آمریکا با تجزیه ایران مخالف است » (رادیو آمریکا ۱۳۵۹/۸/۳) و

صحبت‌های دیگری که عراق به راحتی از اینگونه مسائل استنباط کرد

که آمریکا در جنگ طرفدار ایران است و حامی ایرانیان می باشد.

این در حالی است که "برژینسکی" به عنوان مغز متفکر و تصمیم گیرنده آمریکا برای مقابله با ایران در تیر ماه ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی رتبه آمریکا و عراق را طراحی کرد و « هدف از این دیدار را هماهنگ کردن فعالیتهای آمریکا و عراق در مخالفت‌های این دو کشور با ایران مطرح نمود. » (آرتمیرمن ۱۳۷۶ ، ص ۱۶۲)

بر اساس همین سیاست "برژینسکی" در تیر ماه ۱۳۵۹ در مرز آقلان شه که با "صدام" ملاقات کرد قول داد که از او کاملاً حمایت نماید. همچنین این امر را تاکید کرد که آمریکا با آرزوی عراق در شط العرب (اروند رود) و برقراری یک جمهوری عربی در منطقه مخالفت نخواهد کرد. (درویدیان ، ۱۳۷۶، ص ۲۳) بعد از تهاجم گسترده عراق به ایران و تصرف بخش وسیعی از اراضی ایران اسلامی به یکباره لحن و گفتگوی رژیم متجاوز عراق و بلندگوهای تبلیغاتی او تغییر یافت و جنگ و متجاوز را با چهره ای دیگر در صحنه تبلیغات آرایش دادند و معرفی کردند .

ط : تغییر جو تبلیغاتی عراق و دشمنان ج . ا . ا

رژیم عراق پس از اشغال مواضع و استقرار در مواضع پدافندی در مصاحبه ها و گفتگوهای متعدد با استفاده از قدرت کسب شده از ایران تقاضای مذاکره و کسب امتیاز کرد و با توجیه تجاوز به عنوان احقاق حق مسلم اعراب و دستیابی به اراضی متعلق به خودشان سخن راند و افکار عمومی مردم عراق و جوامع عربی را به این مساله جلب کرد که علت تهاجم به ایران فقط به دلیل رسیدن به حقوق حقه عراق بوده که ایران پایمال کرده است.

صدام حسین بیان می کند :

« اگر ایرانیها حکومت عراق را بر مناطق اشغال شده توسط عراق

بپذیرند عراق به جنگ خاتمه خواهد داد »

(رادیو صوت الجماهير ۱۳۵۹/۸/۲۱) و در ادامه سخن خود درباره حقوق اضافی که ایران باید به عراق بدهد سخن می راند. چند ماه پس از گذشت جنگ و شروع مقاومت‌های مردمی و حملات متقابل نیروهای مسلح ایران به ارتش عراق و زمین گیر شدن آن، رویای فتح ایران برای صدام و ارتش متجاوزش پایان می پذیرد و ناچار در مورد اهداف جنگ موضع را عوض می کند و می گوید :

« عراق هرگز، به فکر اشغال خاک ایران نبوده بلکه خواستار حقوق

قانونی در آنها ، زمینها و جزایر متعلق به امت عرب است ». (رادیو

صوت الجماهير ۱۳۵۹/۱۲/۲۱)

صدام در جای دیگر در توجیه علت عدم دستیابی به اهداف اولیه که برای شروع جنگ مطرح کرده بود می گوید :

« متوقف شدن پیشروی ما ناشی از ضعف نیست ، بلکه ما نمی خواهیم

عقده های زیادی در ارتش ایران باقی بگذاریم »

(خبرگذاری رویتر ۱۳۵۹/۱۲/۲۵) نشر بیانات خلاف واقع و دروغین روش دیگر تبلیغات عراق و حامیان غربی و شرقی آن رژیم است. فریب افکار عمومی

مردم عراق و جهان بخصوص امتهای عرب و مسلمان با ایراد سخنانی که از سوی صدام و دولت جائر و ستمگرش مطرح می شود نشان از باطل و بی اساس بودن دلایل و استنادات آنها دارد ضمن اینکه آنها به قدرت کاذب و دروغین خود اشاره و شکست خود را اینچنین مطرح و توجیه می نمایند :

صدام می گوید :

« اگر ما آبادان را تسخیر نکردیم تنها به سبب آن است که رهبر سیاسی عراق چنین تصمیمی را اتخاذ نکرده، اما در لحظه‌ای که این تصمیم گرفته شود آبادان تسخیر می گردد.»

ی : مواضع آمریکا و اقدامات آن در قبال جنگ عراق علیه ایران
آمریکایی‌ها ضمن پرهیز دادن شوروی از دخالت در جنگ عراق علیه ایران سه مسأله اساسی را در پی آمد حمله عراق پیگیری می کردند و به عنوان اهداف استراتژیک خود مطرح می نمودند:

- (۱) حمله عراق باعث آزادی گروگانهای آمریکایی شود .
- (۲) ایران برای بازداشتن تجاوز عراق و ادامه آن ضمن برآوردن خواسته های آمریکا از آن کشور درخواست کمک کند .
- (۳) ایران با زیر پا گذاشتن اصول انقلابی خود در مجامع رسمی بین المللی حضور یابد و به قواعد آنها تن دهد . آمریکا برای تحقق این امر در ظاهر به اصطلاح بی طرفی فعال را دنبال می کرد و از سوی دیگر سعی داشت ایران را از دست زدن به انسداد تنگه هرمز - که تنها امکان اعمال فشار ایران بر نظام بین المللی برای بازداشتن از هجوم بیشتر عراق بود - بازدارد . آمریکا پس از ناتوانی عراق در دستیابی به اهدافش تنها

خواستار آتش بس آنهم از طریق کشورهای منطقه یا کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد شد.

در این خصوص کارتر رئیس جمهور آمریکا در آغاز تجاوز عراق اظهار داشت: «جنگ ایران و عراق ممکن است به آزادی گروگانهای آمریکایی منجر شود. از طرفی این جنگ می تواند ایران را در مورد لزوم صلح و قبول قوانین بین المللی متقاعد سازد. خبرهای رسیده از ایران حاکی است که اشتیاق شدیدی از ایرانیان برای حل اختلافاتشان با ما دیده می شود». (لطف الله زادگان، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

ادموند اسکی وزیر امور خارجه آمریکا می گوید: «آمریکا آماده است به محض آزادی گروگانها بر اساس احترام متقابل و برابری کلیه مسائل حل نشده و سوء تفاهمهایی که ایران و آمریکا را از هم جدا ساخته مورد بررسی و رسیدگی قرار دهد». (لطف الله زادگان، ۱۳۷۹، ص ۲۳)

رادیو آمریکا می گوید: «آمریکا قصد ندارد در اوضاع ایران و عراق دخالت نماید و کما کان موضع بی طرفی اتخاذ خواهد کرد». (لطف الله زادگان، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

نتیجه گیری

مسأله تبلیغات و جنگ روانی یک ابزار و وسیله ای است در اختیار دولتها و گروههای مخالف با یک موضوع یا یک مساله این روش و استفاده از آن تا

زمانی که مردم نسبت به اخبار انتشار یافته در خصوص موضوعی خاص از خود حساسیت نشان بدهند مفید واقع می شود و هرگاه این حساسیت به حداقل برسد تبلیغات مربوط به آن نیز کاربرد خود را از دست خواهد داد و ابطال می گردد .

با وجود آنکه خبر گزاری های منطقه ای و جهانی و خبر نگاران خارجی در کشورهای مختلف می کوشیدند اخبار و حوادث را به طور مستقیم و با استفاده از وسائل تبلیغاتی در رسانه های جمعی منطقه ای و بین المللی به همه نقاط جهان بفرستند و نظریات و سیاستهای ابر قدرتها و استکبار جهانی را با توجه به نقش و عملکرد رسانه های استکباری در انتقال اخبار و حوادث بصورتی که مورد نظر آنان می باشد و منافع آنان را تأمین می نماید را به نفع صدام و رژیم عراق و علیه نظام نو پای اسلامی بر افکار عمومی القاء نمایند ، دولت و نظام جمهوری اسلامی با توکل به خدای متعال و پشتوانه مردم غیور و مسلمان و انقلابی و با رهبری پیامبر گونه امام خمینی (ره) توانست از همه سدها و مشکلات که بر اساس نشر اخبار و اکاذیب بوقهای استکباری و صحنه سازیهای رسانه های جمعی در اختیار ابر قدرتها بوجود آمده بود گذر کند و انقلاب اسلامی را در عرصه جهانی و منطقه ای به عنوان یک الگوی مناسب و ایده آل در برخورد و مخاصمه با استکبار جهانی در ایجاد یک جبهه ظلم ستیزی و مبارزه با عوامل و عناصر جبهه باطل معرفی و رهبری نماید همچنین اتخاذ شیوه های عملیات روانی و تشویق و ترغیب امت اسلامی به خصوص ملت شهید پرور ایران در ادامه مبارزه و دستیابی به اهداف خویش توسط رهبر کبیر انقلاب (ره) توانست تمامی تبلیغات و جنگ روانی علیه ایران اسلامی را خنثی و ملت و کشور را به سمت پیروزی نهایی هدایت کند.

منابع

- درودیان ، محمد ، سیری در جنگ ایران و عراق (آغاز تا پایان) تهران ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ جلد ششم ۱۳۷۶.
- کرد زمن ، آنتونی ، آرواگند ، آبراهام (درسهایی از جنگ مدرن) جلد دوم (مترجم حسین یکتا) تهران ، ۱۳۷۶
- هاشمی رفسنجانی ، علی اکبر ، ۱۳۶۸ (بازشناسی جنبه های تجاوز و دفاع) دبیرخانه کنفرانس بین المللی تجاوز و دفاع ، جلد اول
- سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت به نقل از روزنامه السفير ۱۹۸۹/۸/۲۹
- صفری ، محسن ، (ما اعتراف می کنیم) حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۷۰.
- الحسن ، احمد ، سفیر سوریه در تهران ، مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ۶۹/۱۱/۱۷ برابر با فوریه ۱۹۹۱.
- اثباتی ، بهروز (مدیریت تبلیغات در جنگ) مجموعه مقالات دومین همایش بررسی کاربرد تبلیغات در جنگ ، تهران ۱۳۸۰.
- عبدالرحمن ، احمد (عبور از آخرین خاکریز- خاطرات اسیر عراقی) سازمان تبلیغات اسلامی (مترجم محمد حسین زوار کعبه) سال ۱۳۶۹.
- مقاله تحقیقی بر روی شناخت روحیات نظامیان عراق ، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی ، مرداد ۱۳۶۵.
- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت دومین سالگرد جنگ تحمیلی علیه ایران (گذری بر دو سال جنگ سال ۱۳۶۱)

- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۳۲۴۴، مورخه ۱۳۶۹/۵/۲۲ صفحه ۲ به نقل از رادیو صوت الجماهير .
- بخش فارسی رادیو بغداد مورخه ۲۴، ۲۵، ۱۳۵۹/۶/۱۳
- گروه انسانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی (نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی) سال
- محسن (ما اعتراف می کنیم) حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۰) به نقل از روزنامه دیاریو ۱۶ چاپ اسپانیا برابر با ۴ اوت ۱۹۹۰
- گزارش خبری رادیو بی بی سی تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۱ ه.ش
- شیرازی، محمد، (جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکرد (۲) و دبیرخانه نخستین همایش علمی بررسی نقش تبلیغات در جنگ، چاپ اول ۱۳۷۶.
- رادیو صوت الجماهير به نقل از روزنامه القادسیه ارگان ارتش بعث عراق مورخه ۱۳۵۹/۷/۸ ه.ش
- گزارش خبری رادیو لندن مورخ ۱۳۵۹/۷/۳۰ ه.ش
- بخش فارسی زبان رادیو آمریکا مورخ ۱۳۵۹/۸/۳ ه.ش
- آر تیمر من، کنت (سوداگری مرگ)، موسسه فرهنگی رسا (مترجم احمد تدین) تهران، ۱۳۶۹.
- دوردیان، محمد، (سیری در جنگ ایران و عراق) مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، جلد ششم، ۱۳۷۶، به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی ایران، مورخه ۱۳۵۹/۹/۱۷ ه.ش
- خبرگزاری رویتر مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۲۵ ه.ش
- لطف الله زادگان، علیرضا (آشنایی با جنگ، پاسخ به ابهامات) جلد دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، تهران ۱۳۷۹ ه.ش.